



رادیو بررسی مسائل کودکان در ایران

• حسن بخشی زاده
دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران

طوری که به کودک به عنوان یک موجود مستقل نگاه نمی‌شود و حتی ساده‌ترین حقوق آنان نادیده گرفته می‌شود. همچنین کنوانسیون حقوق کودک در ایران نیز با وجود تغییرات زیاد از جانب دولت، همچنان آن‌طور که باید و شاید اجرا نمی‌شود. روش تحقیق این مقاله، کتابخانه‌ای بوده و با توجه به روش تحقیق به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته شده است. امروزه، شخصیت کودکان هرچه بیشتر پیچیده‌تر می‌شود، آنها هویت و تفاوت‌های فردی را درک کرده و ابراز می‌دارند. بررسی مسائل کودکان باید با دیدی جامعه‌شناختی و با هدف کشف رموز پیام‌های نهفته در آن رفتارها انجام گیرد. حریم‌شکنی کودکان باید بزرگسالان را به بازاندیشی درباره پایه‌های اخلاقی قیود اجتماعی وادارد. تأثیر

واقعیات موجود در دنیای امروز نشان از آن دارد که علی‌رغم اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و تأسیس نهادها و سازمان‌های مختلف در تحقق حقوق کودکان و علی‌رغم هزینه‌های قابل‌توجه مربوط به این سازمان‌ها، هنوز کودکان بیشماری در گوشه و کنار جهان از فرط گرسنگی، بیماری و سوءاستفاده، آزارهای جسمی و روانی و... که ناشی از فقر فرهنگی و اقتصادی است، جان می‌دهند. با توجه به نقش بزرگ رسانه‌های جمعی (چون رادیو) در آگاه‌سازی جامعه و به چالش کشیدن افراد و سازمان‌های مختلف در جهت رسیدگی به امور این قشر از جامعه، پرداختن به این مسئله در ایران از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار است. کودکان در ایران از جایگاه بسیار متزلزلی برخوردارند، به

خشونت برای افراد پایین‌تر از هفت سال نگران‌کننده است، زیرا این کودکان نمی‌توانند واقعیت را از خیال تشخیص دهند. لذا تعبیر و تفسیر آنها از پیام‌های شنیداری (رادیویی) و تلویزیونی، با تعبیر و تفسیر بزرگسالان متفاوت است. بر این اساس ضرورت دارد برای این گروه برنامه‌ریزی‌ها و توجهات جدی‌تری با توجه به آسیب‌پذیر بودن آنان در رادیو در نظر گرفته شود.

حقوق کودک در ایران

در اینجا به بررسی حقوق کودک در ایران می‌پردازیم. کودکان از چه جایگاهی در ایران برخوردارند و کنوانسیون حقوق کودک در ایران تا چه اندازه اجرا می‌شود و اینکه رادیو چه نقشی در ارتقای بیش از پیش آن داشته باشد، موضوعاتی است که در اینجا به آنها خواهیم پرداخت.



از دیدگاه حقوقی، کودک یا صغیر به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روانی لازم برای زندگی نرسیده باشد. چون حیات واقعی کودک با تولد آغاز می‌شود، لذا دوران کودکی هم با تولد شروع می‌شود. (آقا بیگلویی و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۳)

کنوانسیون حقوق کودک در ماده یک خود کودک را چنین تعریف می‌کند: «منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.»

کودکان به علت متفاوت بودن با بزرگسالان از نظر کیفی دارای نیازها، خواستها و ویژگی‌های خاص خود هستند، به طوری که این تفاوت‌ها در همه زمینه‌های عاطفی، جسمی، اجتماعی و شناختی وجود دارد. همچنین وجود معیارهای جهانی برای رشد و پرورش کودکان در زمینه‌های اساسی به منظور نزدیک کردن وضع زندگی آنان به یکدیگر، با وجود تفاوت‌های فرهنگی،

دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضا کرد. کنوانسیون حقوق کودک در ایران ویژگی‌های خاص خود را داراست، از جمله: امضا آن توسط کشور ایران، انعطاف‌پذیری، جامعیت، حاصل تجربیات کارشناسان، توجه به کودک به عنوان موجودی مستقل، تأکید بر دخالت دولت، گستردگی مجریان، توجه به نهاد خانواده و اولویت‌دادن به منافع کودکان.

اجتماعی و اقتصادی در بهبود وضع زندگی کودکان جهان مؤثر است. از طرف دیگر به علت وجود شبکه وسیع و پرنفوذ ارتباطات همچون رادیو در جهان امروزی، لزوم ارتباط و همکاری در زمینه‌های مختلف از جمله در مورد کودکان - که از موضوعات اساسی دنیای کنونی است - لازم می‌باشد.

کنوانسیون حقوق کودک دارای یک مقدمه و ۵۴ ماده است که ۴۱ ماده آن حقوق کودک را بیان می‌کند و ۱۳ ماده دیگر درباره چگونگی اجرای آن در کشورهاست.

به‌طور کلی حقوق مطرح‌شده در کنوانسیون را می‌توان به اصول زیربنایی و اساسی، حق مشارکت و آزادی‌های مدنی، حق حمایت و حق تأمین و حق بهره‌مندی از آموزش، اوقات فراغت و انجام فعالیت‌های فرهنگی، ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، محو بیسوادی و تعلیمات اجباری (ماده ۲۸)، ایجاد شرایط

دولت جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون حقوق کودک را به صورت مشروط پذیرفته است و مواردی مغایر با این کنوانسیون نیز در قانون مدنی دیده می‌شود که این قوانین در بسیاری از موارد ساده‌ترین حقوق کودک را نادیده می‌گیرند. دولت و سازمان‌های ذیربط نیز به وظایف خود در همان حدی که خود پذیرفته و در قوانین داخلی‌شان آورده شده، عمل نمی‌کنند.

تعریف دوره کودکی یکی از موضوعات مهم و جالب‌توجه در بررسی مسائل کودکان است. دلیل این امر هم آن است که نهادها و قوانین مختلف، تعاریف گوناگونی از دوره کودکی ارائه داده‌اند که رایج تعاریف و ملاک‌های گوناگون نه تنها در ایران و کشورهای کمتر توسعه‌یافته، بلکه در کشورهای پیشرفته هم امر برنامه‌ریزی برای این قشر را با مشکل اساسی روبه‌رو کرده است.

مناسب برای استفاده کودکان اقلیت‌ها از مزایای آموزشی، انطباق آموزش با زبان مادری (ماده ۳۰) و شناسایی اوقات فراغت، حق بازی و تفریح کودکان (ماده ۳۱) طبقه‌بندی نمود. (مصفا، ۱۳۸۲: ۱۶-۶)

دولت جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۷۰ پیمان جهانی حقوق کودک را امضا کرد. کنوانسیون حقوق کودک در ایران ویژگی‌های خاص خود را داراست، از جمله: امضا آن توسط کشور ایران، انعطاف‌پذیری، جامعیت، حاصل تجربیات کارشناسان، توجه به کودک به‌عنوان موجودی مستقل، تأکید بر دخالت دولت، گستردگی مجریان، توجه به نهاد خانواده و اولویت‌دادن به منافع کودکان.

به نظر می‌رسد موانع قانونی یکی از مهم‌ترین موانعی است که در جهت اجرای حقوق کودک در ایران وجود دارد. در قانون پیش‌فرض‌های ثابت‌نشده‌ای در زمینه کودک و نوجوان وجود دارد که با واقعیت‌های موجود و رویدادهای اجتماعی تطبیق ندارد. مسائل و قواعد مربوط به ولایت، حضانت، سن قانونی، دامنه اقتدار والدین و به ویژه پدر و نظایر اینها که تاکنون قانون‌گذاران در تعیین و تعریف مفاهیم و قواعد مربوط به آنها خود را بی‌نیاز از نتایج پژوهش‌های علمی دانسته‌اند، امروزه به یکی از مسئله‌سازترین موضوعات در جامعه تبدیل شده است (اعظم آزاده، ۱۳۸۴). به همین منظور دولت و سازمان‌های ذیربط باید راهکارهایی را در برنامه‌ریزی‌ها و سازماندهی‌های خود، در نظر بگیرد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- توجه بیشتر دولت به حقوق کودکان، اولین و مهمترین راهکار برای احقاق حقوق کودکان ایرانی است.
- از آنجا که نهاد خانواده اولین و مهم‌ترین جایگاه رشد و پرورش کودک بوده و تحقق بسیاری از حقوق کودکان در گرو سلامت و امنیت و آسایش خانواده است، بنابراین توجه این نهاد می‌تواند در جهت احقاق حقوق کودکان بسیار مؤثر باشد.
- توجه ویژه به زنان و مادران و تلاش در راه آموزش، رشد و پرورش آنان و رفع نیازها و موانع پیشرفت آنها در زمینه‌های مختلف؛ زیرا بدون مشارکت زنان تحقق حقوق کودک امکان‌پذیر نخواهد بود.

- در کشور ما یک مرجع قانونی، مرکز اطلاع‌رسانی و مکان امنی که کودک در صورت ضرورت بتواند به آنجا مراجعه کند وجود ندارد، لذا وجود مرجعی واحد و یکپارچه برای کودکان با عنوان شورای عالی کودک می‌تواند مشکلات این قشر عظیم را به حداقل برساند. در اینجا می‌توان از رادیو به‌عنوان رسانه‌ای فراگیر برای اطلاع‌رسانی مشکلات کودکان و تحقق این امر استفاده کرد.

- وجود مکان‌های امن برای نگهداری از کودکان آسیب‌دیده، می‌تواند در جهت احقاق حقوق کودکان و کاهش آزار و اذیت آنها بسیار نتیجه‌بخش باشد.

- آگاهی و آموزش‌دادن از طریق رادیو نیز می‌تواند در جهت احقاق حقوق کودکان نقش بسیار مؤثری ایفا کند، زیرا بسیاری از مردم از قوانین بی‌اطلاعند، به طوری‌که والدین، بسیاری از اعمال خود از جمله کتک، تهدید و حتی حبس کودکان را شیوه‌ای تربیتی تلقی می‌کنند.

- ایجاد مراکز مشاوره یکی دیگر از راهکارهای مؤثر در جهت احقاق حقوق کودکان از طریق رادیوست. رسانه‌های تصویری و شنیداری باید با حمایت دولت به ارائه مشاوره‌های حمایتی - آموزشی پرداخته و به‌صورت علمی به کودکان خدمات مشاوره بدهند.

- باید علاوه بر قوانین درعمل نشان دهیم که کودکان دارای کرامت انسانی هستند و این کار از طریق مشارکت‌دادن آنها در مسائل مربوط به خود، در تهیه برنامه‌های رادیویی، رفع تبعیض و تامین نیازهای اولیه کودکان امکان‌پذیر است.

جامعه‌شناسی کودکی در ایران

جامعه‌شناسی دوران کودکی که نام اصلی آن نظریه‌پردازی دوران کودکی است، یک خلاصه و بررسی به روز از واقعیات این حوزه است که با تأکید بر نظریه اجتماعی نوشته شده است. تصورات عموماً غیرجامعه‌شناختی و اغلب فلسفی که حاصل بازاندیشی نویسندگان و آرای متفکران غالباً فیلسوف است - شامل انگاره‌های کودک شرور متأثر از دیدگاه‌های فلسفی توماس هابز، کودک فطری متأثر از دیدگاه فلسفی جان لاک، کودک دارای رشد طبیعی زان پیازه و کودک ناخودآگاه متأثر از دیدگاه روانکاوانه زیگموند فروید - تصاویر پیش‌جامعه‌شناختی کودک را پیش روی ما قرار می‌دهند. بحث کودک جامعه‌شناختی، با این استدلال خویش را از نظریات پیش‌جامعه‌شناختی جدا می‌کند که در نظریات پیش‌جامعه‌شناختی شناخت ما از کودک بدون توجه به هرگونه ساختار اجتماعی تأثیرگذار و یا اجتماعی - محیطی مؤثر بر کودکی شکل می‌گیرد. ساختار اجتماعی مرز بین کودک پیش‌جامعه‌شناختی و کودک جامعه‌شناختی است. (جیمز، پروت و جنکس، ۱۳۸۳)

شکل‌گیری مفهوم کودکی، نوجوانی و جوانی محصول دنیای مدرن و تحولات ایجادشده در جامعه و خانواده و تنش‌های خانوادگی است. زمانی روابط کودکان و نوجوانان تنها به روابط با والدین و یا مربیان تربیتی محدود می‌شد. در ایران با تحولاتی که در دهه ۴۰ صورت گرفت، مسئله جوانان رنگ و بوی دیگری به خود گرفت. جامعه‌شناسی کودک پس از طرح عاملیت کودک به عنوان موجودی انسانی دارای فهم و درک و قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری، ابتدا در غرب مطرح شد. در ایران با توجه به حریم خصوصی خانواده و تقدس و قدرتمندی آن و تعلق و وابستگی کودک و نوجوان بدین حوزه و عدم تصور موقعیتی فراتر برای آنها، باب بحث و گفت‌وگو برای این گروه گشوده نبوده است که

در سطح جامعه و یا محافل آکادمیک به آن پرداخته شود. البته بر کسی پوشیده نیست که با تحولات ایجادشده در سطح جامعه و خانواده، امروزه بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها، خصوصاً در خانواده برای این گروه است. اما از آنجا که در این سرمایه‌گذاری‌ها این گروه خود دخالتی ندارند و بیشتر تابع تصمیمات‌اند، نارضایتی‌ها هر روز بیشتر می‌شود. به همین دلیل این توجه بیشتر مسئولان، برنامه‌ریزان رسانه‌ای، تهیه‌کنندگان برنامه‌های رادیویی و محافل آکادمیک را می‌طلبد که با اتخاذ رویکردی جدید کودکان و جوانان را به عنوان عاملانی فعال و تأثیرگذار در نظرگیرند و سعی کنند وضعیت را علاوه بر مشاهده از بیرون، از زاویه دید این گروه نیز بنگرند و به بررسی مسائل آنها بپردازند. (اعظم آزاد، ۱۳۸۴)

بر اساس آمار منتشرشده مرکز آمار، ایران کشوری جوان است. چنانچه مواجهه با این گروه بدون برنامه‌ریزی و شناسایی مشکلات بالقوه و بالفعل آنها صورت پذیرد، بی‌تردید چالشی مهم را در آینده در برخواهد داشت. از نتایج این چالش نه تنها

گونه‌شناسی حقوق پایمال شده کودک در ایران و نقش رادیو در شناساندن آن

حقوق کودک یکی از زمینه‌های مهم حقوقی است که از دیدگاه‌های متفاوت و در رشته‌های مختلف مورد بحث و بررسی واقع شده و دارای ابعاد اجتماعی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی داخلی و بین‌المللی است. این حقوق هم در سطح بین‌المللی (۱۹۸۹) و هم در سطح داخلی (۱۳۷۲) مورد توجه خاص قرار گرفته است، به طوری که علاوه بر تأکیدی که در اسلام به حقوق کودک شده است، در قانون اساسی ایران (اصل ۲۱) و در قوانین مدنی و جزایی نیز پاره‌ای مقررات حمایتی در این زمینه آمده است. اما در ایران همچنان فاصله بسیار زیادی تا اجرای کامل کنوانسیون حقوق کودک وجود دارد، زیرا همچنان کودکان بسیاری از نعمت آموزش محرومند، بسیاری از کودکان در ایران فاقد شناسنامه و در حقیقت فاقد هویت‌اند، بسیاری از آنان هنوز مورد تجاوز جنسی حتی از جانب پدران خود قرار می‌گیرند،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کودکان بسیاری به خاطر فقر و بدبختی زیر سن قانونی به سر کار می‌روند و حتی به کارهای سخت و طاقت‌فرسا گماشته می‌شوند، همچنان کودکان بسیاری در خیابان‌های تهران و سایر شهرستان‌ها با گدایی روزگار می‌گذرانند و... که مهم‌ترین دلایل این امر به دولت برمی‌گردد. قوانین در بسیاری از موارد ساده‌ترین حقوق کودک را نادیده می‌گیرد. دولت به وظایف خود در همان حدی که خود پذیرفته و در قوانین داخلی‌اش آورده، عمل نمی‌کند؛ از جمله آموزش کودکان و خانواده‌ها، پذیرفتن کودک به عنوان یک موجود مستقل، توجه به نهاد خانواده و... در چنین شرایطی پرداختن به این مسئله در ایران از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است.

جامعه بلکه خود این گروه بیشترین زیان‌ها را خواهند دید. بنابراین باید از هم‌اکنون بسیج همگانی‌ای در جهت شناسایی و رفع مسائل آنها صورت گیرد. بنابراین رادیو با توجه به رسالت بزرگش در آگاهی‌دادن به جامعه نقش سترگی بر عهده دارد.

پژوهشگران و متخصصان علوم انسانی که در خصوص مسائل کودکان و جوانان فعالند، در این زمینه اتفاق نظر دارند که یکی از راه‌های درک چگونگی نگرش جامعه به این گروه مشاهده رویکردهای قانونی و قضایی به آنهاست. به عبارتی قوانین و مقررات، نحوه نگرش به کودک را در جامعه نشان می‌دهند. (همان)

در این میان کودکان به‌عنوان کنشگران فعال، در کنار بزرگسالان، والدین، معلمان و افراد جامعه قرار می‌گیرند و روش تحقیق متناسب با زندگی خودشان را می‌طلبند. به‌نظر لنا آلانن (Leena Alanen) جامعه‌شناس فنلاندی در نگرش جدید برخلاف گذشته، کودکی بیشتر ناظر بر آن چیزی است که هست، نه آن چیزی که قرار است بشود.

در پیمان جهانی حقوق کودک، سه ماده مرتبط با رسانه‌های جمعی (مواد سه، ۱۳ و ۱۷) و نقش آنها در این پیمان آمده است که در ماده ۳ آن بر این تأکید شده که در کلیه فعالیت‌های مربوط به کودکان، عالی‌ترین منافع کودکان باید در اولویت قرار گیرد. نهادها، خدمات و تسهیلاتی که مسئولیت مراقبت یا محافظت از کودکان را برعهده دارند، باید علاوه بر نظارت شایسته بر فعالیت خود، با معیارهای تعیین‌شده از سوی مراجع صلاحیتدار انطباق داشته باشند. در ماده ۱۳ تأکید شده که کودک باید از حق آزادی بیان برخوردار باشد که اعمال این حق می‌تواند تابع برخی محدودیت‌ها باشد که قانون مشخص کرده است. در ماده ۱۷ اشاره شده که کشورهای مختلف از کارکرد ارزشمند رسانه‌های گروهی آگاه هستند و تعهد می‌کنند که کودکان به اطلاعات و منابع مختلف بین‌المللی دسترسی داشته باشند، به‌ویژه آن دسته از اطلاعاتی که هدفشان ارتقای سلامت اجتماعی، معنوی و اخلاقی کودک و بهداشت جسمی و روانی اوست. (کارلسون و فایلتیزن، ۱۳۸۰: ۲۶). به این ترتیب وظیفه رادیو تضمین دسترسی کودکان به اطلاعات و ترویج ابعاد مثبتی مانند انتشار آن دسته از اطلاعاتی است که سبب ارتقای درک و شناخت متقابل، صلح، تسامح، دوستی میان تمام انسان‌ها و... می‌شود. نقش رادیو در قبال تمام مسائل کودکان در ایران، دادن آگاهی و اطلاعات به جامعه از وضع کودکان، آشناساختن خانواده‌ها درباره مسائل کودکان، دادن مشاوره‌های علمی و دینی، تبلیغ اصول مذهبی و تربیتی برای خانواده‌ها، تهیه و پخش برنامه‌هایی که باعث انسجام خانواده می‌گردد و در آخر تهیه برنامه‌هایی با همکاری کارشناسان و دانشگاهیان و خودکودکان (زیراکودکان در برنامه‌هایی که مرتبط با زندگی آنهاست، حق اظهارنظر دارند) می‌باشد.

در ادامه به طرح و بررسی مسائل کودکان در ایران می‌پردازیم. **کودکان کار:** شواهد نشان می‌دهد که عده‌ای از کودکان در فضای آموزشی به‌سر نمی‌برند و نخستین پرسشی که به نظر می‌رسد این است که این تعداد کودک در کدام فضا زندگی می‌کنند. کار کودکان یکی از این فضاهاست. ماده ۳۲ حقوق کودک، هرگونه کار و استثمار کودک را به‌عنوان مانع آموزش و طی دوره کودکی ممنوع شناخته است. درمورد کارکودکان عمده‌ترین دلیل، ساختار ناهمگون قوانین کار در کشور است.

کودک همسری: وقوع ازدواج در سنین خردسالی و به تعبیر مشخص کودکی که در کنوانسیون‌های جهانی تا ۱۸ سالگی را در بر می‌گیرد، پدیده‌ای است که در اکثر جوامع توسعه‌نیافته،

سنتی و بسته روی می‌دهد. این پدیده با وجود برخورداری از کارکردهایی که در برهه‌هایی از تاریخ اجتماعی انسان داشته و چه بسا دارای کارکردهای مناسبی بوده است، ولیکن با پیشرفت و تحولات اجتماعی و فرهنگی حاصل از توسعه اقتصادی و صنعتی جوامع و نوسازی و مدرنیزاسیون آنها، امروزه از آثار و تبعات آسیب‌شناختی مهمی برخوردار است.

کودک و خشونت: قدرت قانونی بی‌بدیل پدر در خانواده و به‌کاربردن خشونت، موجب بروز مسائل اجتماعی زیادی در مورد کودکان شده است؛ نظیر فرار از خانه، نابسامانی‌های روانی، شکست تحصیلی، خودکشی، اعتیاد و بزهکاری. در بین اقدام‌کنندگان به خودکشی، انگیزه افرادی که در این سال‌ها به خودکشی دست زده‌اند عبارتند از: اختلاف خانوادگی، شکست در زندگی و ناامیدی. با این توصیف ضرورت دارد مسئولان امر، به رویکردهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی مسائل کودکان توجه بیشتری کرده و در تدوین و یا تعدیل قوانین به نظریات علمی آنها نظر بیشتری داشته باشند.

وظیفه رادیو تضمین دسترسی کودکان به اطلاعات و ترویج ابعاد مثبتی مانند انتشار آن دسته از اطلاعاتی است که سبب ارتقای درک و شناخت متقابل، صلح، تسامح، دوستی میان تمام انسان‌ها و... می‌شود.

کودکان خیابانی: شواهد نشان می‌دهد در شهر تهران فقط حدود چند هزار کودک خیابانی وجود دارد که همراه تعدادی از آنها جان خود را در اثر حوادث گوناگون از دست می‌دهند. سوء استفاده جنسی از کودکان یکی از مسائل آنهاست که باید نسبت به آن واکنش جدی نشان دهیم.

کودک آزاری: براساس یک تحقیق انجام‌شده با همکاری وزارت بهداشت و یونیسف در رابطه با وضعیت کودک آزاری در ایران، حدود ۲۰٪ از کودکان شش تا ۱۱ ساله و بیش از ۹٪ از نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ سال، تنبیه بدنی می‌شوند. مسئولان اظهار می‌دارند: اگرچه در احکام اسلامی و قوانین کشور ما احترام به کودک توصیه و قوانینی برای برخورد با کودک‌آزاران تدوین شده است، اما «ترس از طلاق»، «گرفتاری‌های احتمالی»، «رعایت مسائل عرفی» مانند شرم، مداخله‌نکردن در امور خانواده‌ها و همسایه‌ها و «دشواری تهیه اسناد و اثبات کودک‌آزاری» از موانع اعلام و رسیدگی به پدیده کودک‌آزاری است (کودک‌آزاری، ۱۳۸۵). در سیاسی‌سازی کودک‌آزاری، دو گروه جنبش زنان و

جنبش حمایت از کودکان علی‌رغم ارائه شیوه‌های اصلاحی متفاوت، در جهت تغییر آگاهی عمومی فعالیت‌های مفیدی داشته‌اند؛ به این صورت که در اولی، کودک‌آزاری به‌عنوان بخشی از پیوستار خشونت مردان تلقی شده و در نظریه‌پردازان جنبش دوم، تقدیس خانواده و ضرورت روابط شایسته مردان و زنان را از طریق اصلاح‌درمانی خانواده قابل دسترسی می‌داند. (جنکس، ۲۰۰۵)

فقر کودکان: در گزارش کوتاه از پروژه بزرگ یونیسف که به وسیله دانشگاه اقتصاد لندن و دانشگاه بریستول انجام گرفته، هدف آنها تعیین دامنه و شدت فقر در کشورهای کم درآمد است. غذا، آب آشامیدنی، مسکن، سرویس‌های بهداشتی، تحصیلات، دسترسی به اطلاعات، دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی به عنوان هشت شاخص برای سنجش محرومیت به کار گرفته شده است. در این پروژه در صورتی که کودکان در دو بخش از

غفلت و فقدان جایگاه مناسب کودکان در اندیشه و عمل ماست؛ مسائل خرد و کلان بسیاری که می‌توان آنها را در صدر اخبار کشور هر روز دید: نامشخص‌بودن جایگاه و ناهماهنگی در شناسایی مفهوم کودک، کودکان کار، کودک همسری، کودک و خشونت، آینده مبهم کودکان بی‌سرپرست، گسترش کودکان خیابانی، کودک‌آزاری و خشونت علیه آنان، کار زود هنگام و فراتر از توانایی آنان، سوءاستفاده جنسی از کودکان، خودکشی و خودسوزی کودکان، عدم پوشش تحصیلی کامل، فراگیر و پایدار کودکان در سن تحصیل، اعتیاد کودکان، خرید و فروش کودکان و قاچاق اعضای بدن آنان، آسیب‌پذیری مضاعف کودکان در اثر فقر، طلاق، نزاع‌های خانوادگی و قومی، فقدان امکانات اولیه برای کودکان و ده‌ها مسئله و آسیب دیگر که دامن‌گیر کودکان امروز و آینده این مرز و بوم شده است. در قسمت بالا سعی شد با شناسایی هر یک از مسائل کودکان

انرژی‌گذاری خشونت رسانه‌ای به چند عامل بستگی دارد: محتوای برنامه، تکثر رسانه‌ها، فرهنگ و موقعیت واقعی مخاطب، ویژگی‌های بیننده و محیط خانوادگی او.

این هشت شاخص محرومیت شدید را تجربه کنند، در شرایط فقر مطلق دسته‌بندی می‌شوند. محرومیت شدید، یعنی قرارگرفتن در شرایطی که «بهبودی» کودکان تهدید می‌شود. بیشتر کودکان محرومیت شدید را در بخش مسکن، سرویس‌های بهداشتی، اطلاعات و آب تجربه می‌کنند. (ماری شو، ۲۰۰۳)

بنابراین اگرچه صورت ناهنجاری‌هایی مانند کودک‌آزاری از نوع جنسی و جسمی و آموزش و ربایش و تجارت کودکان و تکدی‌گری و... ظاهری فردی دارند، اما ریشه عمیق‌تر و واقعی‌تر آن در فروپاشی هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و کاهش یا از میان‌رفتن تعهد یا اعتماد در درون خانواده‌هاست. از میان‌رفتن اعتماد یا تعهد ممکن است به‌صورت مستقیم به آسیب‌رساندن کودکان و بی‌توجهی به حقوق آنها بینجامد (باقی، ۱۳۸۴). رادیو در اینجا می‌تواند به‌عنوان یک رسانه فراگیر، در میان مردم ایجادکننده اعتماد و سرمایه اجتماعی باشد.

نسبت به ارائه راهکارهای خروج از آن نیز پرداخته شود تا بتوان با بسیج تمام توانایی‌ها و قابلیت‌ها از یکسو و شناخت نارسایی‌ها و تنگناهای موجود به راهیابی مسائل مذکور اهتمام داشت. اولین اقدام در این زمینه، تعریف مفهوم کودک است که عبارت از یکسان‌سازی کلیه قوانین مرتبط با نقش و جایگاه آنان است. این همسان‌سازی در متون حقوقی، قضایی و مدنی باید به‌طور یکسان صورت گیرد. در همین راستا یکی از ابزارهای کارساز عبارت از ترویج و گسترش مفاهیم، حقوق و تکالیف دولت و مردم در مقابل کودکان از طریق رادیو می‌باشد. آموزش خانواده‌ها در زمینه نقش و جایگاه حقوقی کودکان و آثار انسانی و اجتماعی حاصل از سوء تدبیر در آموزش و پرورش آنان و کیفیت حفظ و استیفای حق کودکان در یک برنامه مدون، پایدار و فراگیر از رادیو، از اهمیت بسیاری برخوردار است. آشنایی مسئولان دولتی نیز از زمره امور فرهنگی حائزاهمیتی است که بدون این دو موضوع اصلی مسئله‌ساز برای کودکان، نمی‌توان کار نتیجه‌بخشی انجام داد. سرانجام آگاهی کودکان از حقوق و تکالیف خود در جامعه نیز زمینه‌ساز زدودن بسیاری از موانع کنونی در تحقق حقوق بایسته آنان است. این حرکت ملی، پایدار و فراگیر با همت

کودکی و نقش رادیو

مسائل دامن‌گیر امروز که کودکان مبتلا به آن هستند، ناشی از

سازمان‌های غیردولتی، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی، رسانه‌های گروهی و رادیو امکان‌پذیر است.

نمی‌گیرد، بلکه در درون مجموعه‌ای از روابط اجتماعی از قبیل خانواده، همسالان و گروه‌های اجتماعی دیگر که فرد بخشی از آنهاست، شکل می‌گیرد.

باید نوع هدف‌هایی را که انتظار داریم رسانه‌ها برای افراد خاص محقق کنند، در نظر بگیریم. حتی اگر پیام به تنهایی مدنظر ما باشد، باز هم رسانه از اهمیتی فراوان برخوردار است. اگر مهارت‌های خاصی هدف آموزشی قرار گیرد، باید رسانه‌ای انتخاب شود که حاوی نظام نمادین خاص آن باشد. رادیو با توجه به اینکه دارای ویژگی‌هایی چون بیان کلیات، تخیل-آمیز بودن، تداوم‌نداشتن پیام، انعطاف‌پذیری، شخصی بودن و وابسته به زبان است، نقش بااهمیتی در عرصه ارتباطات دارد و می‌تواند با استفاده از قابلیت‌های خاص خود و همچنین قابلیت‌های عام سایر رسانه‌ها برای جذب مخاطبان برنامه‌ریزی کند.

کودک، مصرف و خشونت در رسانه‌های جمعی

بیشتر دولت‌ها بر اهمیت رسانه‌های ویژه کودکان در تمام اشکال خود واقفند، اما در برخی موارد به نیازهای کودکان اقلیت اولویت کافی داده نمی‌شود. این موضوع در مورد کودکان نابینا و ناشنوا که نیازمند دریافت پایدار اطلاعات در اشکال مناسب و ترجمه شده هستند، صحت دارد. در این مورد نقش رادیو برای این قشر از جامعه یعنی نابینایان، هرچه بیشتر و به‌طور آشکار مشخص است که به آنها در همان اوایل کودکی آموزش‌های ویژه‌ای داده شود. در فرانسه هیئت مستقلی موسوم به هیئت رسانه‌های صوتی و تصویری تأسیس شده است تا سلامت کودکان را در برنامه‌ریزی



ژوهرگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تیرهای خبری مرتبط با کودکان بر رسانه‌ها حاکم‌اند. جامعه-شناسان و تحلیل‌گران رسانه‌ها اظهار کرده‌اند که در تولیدات فرهنگی توجه به کودک افزایش چشمگیری داشته است. از آنجا که کودکان نه تنها نماد خوش‌بینی جامعه به آینده، بلکه نماد حسرت جامعه نسبت به گذشته شده‌اند، موضوعات مربوط به آنها مخاطبان و مفسران خبر را با هم یگانه یا از هم جدا می‌کند. کنوی و بویلن (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیده‌اند که والدین اغلب از رسانه‌ها برای تبیین رفتارهایی از کودکان از قبیل خشونت استفاده می‌کنند، نه اینکه راهکارهایی را بررسی کنند که با آنها رسانه‌ها تصورات قالبی از کودکان را دائمی کنند. معلمان معتقدند که باید با رسانه رقابت کنند. به عبارتی به جای اینکه بر اثرات مثبت بلوغ زودرس کودکان و اشتیاق به محرک‌های ذهنی تمرکز کنیم، آموزش و پرورش را به همان اندازه که محرک‌های دیگری

رسانه مورد توجه قرار دهد. در بریتانیا، شبکه **BBC**، کمیسیون تلویزیون مستقل و سازمان نظارت بر رادیو راهکارهایی را برای محافظت از کودکان در برابر نامه‌هایی که می‌توانند برای رشد ذهنی، اخلاقی یا جسمی آنها زیان‌بخش باشند، مشخص کرده‌اند. (کارلسون و فایلتیزن، ۱۳۸۰: ۳۶)

سوءاستفاده از کودکان در رسانه‌ها و رادیو، در بیشتر برنامه‌ها و به‌عنوان افرادی غیرقابل اطمینان، نشان از این دارد که با آنها مانند شهروندان کامل رفتار نمی‌شود. بیشتر محققان، خوانندگان را به خطرات پیش‌دآوری درباره مسائل کودکان جلب می‌کنند و مدافع این هستند که اساس آگاهی ما از کودکان باید براساس توصیفات خود آنها درباره مسائل‌شان باشد (فاسر و دیگران، ۲۰۰۴: ۲۹۴). کودکان هویت‌های مشترک را براساس مقولات متعدد بنا می‌کنند. علاوه بر این، هویت‌های کودکان در انزوا شکل

عرضه می‌شود، زرق و برق‌دار و سرگرم‌کننده سازیم. کنوی و بویلن معتقدند فرهنگ مصرف‌کننده و رسانه‌ها عمده‌ترین اثر را بر این تغییرات داشته‌اند.

در حالی‌که رادیو نقش عمده‌ای در پوشش‌دادن توده بزرگی از مخاطبان برعهده دارد و گسترش سریعی در کشور داشته است، ولی برنامه‌های ویژه کودکان در آن، مورد توجه چندانی قرار نگرفته است و از ۷۷ ایستگاه رادیویی AM و سه ایستگاه رادیویی FM در سال ۱۹۹۴ تنها تعداد بسیار کمی برنامه‌های ویژه کودک پخش کردند. با وجود این در سال‌های اخیر برنامه‌سازان رادیویی توجه جدی‌تری را به نیازهای آموزشی تمام کودکان به‌خصوص در رادیوهای محلی مبذول داشته‌اند. متأسفانه بعد از انقلاب اسلامی و با ممنوع‌شدن استفاده ابزاری از زنان در تبلیغات تجاری، به مرور استفاده از کودکان به‌خصوص دختر بچه‌ها افزایش یافته است. این روند با گسترش عکس‌ها و پوسترهای دختر بچه‌های آرایش‌کرده برخی اقلیت‌ها در دهه ۶۰ شروع شد و با آزادی

و رسانه‌های گروهی به‌نظر می‌رسد. بحث خشونت در رسانه‌ها باید حوزه وسیع‌تری را دربرگیرد و به چگونگی صرف وقت روزانه کودکان نیز بپردازد. (کارلسون، فایلتیزن، ۱۳۸۰: ۴۰)

به‌طور کلی اثرگذاری خشونت رسانه‌ای به چند عامل بستگی دارد: محتوای برنامه، تکرار رسانه‌ها، فرهنگ و موقعیت واقعی مخاطب، ویژگی‌های بیننده و محیط خانوادگی او.

در ارتباط با تماس کودک با رادیو بین سلیقه گروه مأموس با رسانه‌ها و گروه غیرمأموس تفاوت چشمگیری وجود دارد. کودکان مأموس با رسانه‌ها، گرایش آشکاری به محتوای آموزشی برنامه‌های رادیویی دارند. (همان: ۳۲۰)

مک‌لوهان معتقد است کودک هر آنچه را از تلویزیون می‌بیند یا از رادیو می‌شنود و دریافت می‌کند، با واقعیت‌های زندگی خود تکمیل می‌کند. در مورد خشونت رسانه‌ای باید نکاتی چند را بدانیم: اولاً خشونت رسانه‌ای یک پدیده جهانی است و در قالبی که سزاوار پاداش‌گرفتن است عرضه می‌شود. ثانیاً بسته به

پنج اصل محوری تعلیم و تربیت کودک محوری به- طور ماهرانه عبارت‌اند از: آمادگی، انتخاب، نیاز، بازی و ابداع.

ویژگی‌های شخصیتی کودکان و تجارب روزمره آنان، خشونت رسانه‌ای، نیازهای مختلفی را برآورده می‌کند. ثالثاً تفاوت‌های فرهنگی زیادی بین کودکان وجود دارد، اما الگوهای اولیه خشونت رسانه‌ای در سراسر جهان یکسان است. از نظر گروبل آنچه واقعاً یک مسئله است این است که خشونت همیشه با پاداش‌گیری همراه است و این موضوع در سطح بین‌المللی سه تدبیر عمده را مد نظر قرار می‌دهد:

– گفت‌وگوی عمومی و مشترک بین سیاستمداران، تولیدکنندگان، مربیان تربیتی، اولیا و مصرف‌کنندگان فعال آینده
– وضع ضوابط کاری و قوانین نظارتی مستقل در میان صاحبان رسانه

– ایجاد برنامه‌های آموزشی درباره رسانه‌های جمعی در مدارس برای تربیت مخاطبان توانا و نقاد. (جیمز، پروت و جنکس، ۱۳۸۲: ۲۶۸)

تبلیغات تجاری در تلویزیون و رادیو به‌خانه‌ها راه پیدا کرد. پیامد این وضعیت و آگاهی‌هایی مثل اینها، آن است که کودکان به‌جای عبور از دوران کودکی به بلوغ زودرس می‌رسند. در سنینی که آنان به‌طور طبیعی باید مشغول بازی باشند به خواندن ترانه‌های عاشقانه و رقصیدن در مجالس علاقه‌مند می‌شوند. در تحلیل این پدیده می‌توان گفت، حس زیباشناختی به‌خصوص گرایش به حرکات موزون، رنگ‌ها و اصوات شاد ذاتی بشر بوده و غیرقابل نابودی است (فی لیتزن و بوکت، ۱۳۸۴: ۶۶). لذا لازم است تولیدات داخلی طیف گسترده وسیعی از برنامه‌ها با کیفیت بالا را در برگیرد تا کودکان این برنامه‌ها را ترجیح داده و به سمت آنها کشیده شوند.

پیمان ملل متحد در حقوق کودک، برحق دسترسی به اطلاعات و محافظت در برابر مطالب زیان‌آور تأکید کرده است. این رویکرد، تلفیقی برای تدوین یک سیاست جامع درباره کودکان

خاص انتخاب می‌شود. پس عواملی که به این ترتیب زیربنای کاربرد رسانه‌ها را تشکیل می‌دهند عبارتند از: نظام نمادی، پیام، یادگیرنده و تکلیف آموزشی. این چهار عامل به شیوه‌هایی نسبتاً پیچیده باهم همکنشی دارند. (اولسون، ۱۳۷۷: ۵۱۰)

نتیجه

مقوله حقوق کودک از مباحث بنیادی حقوق بشری، فرهنگی،

اصول محوری تعلیم و تربیت کودکان در رادیو

اسلوان کانلا، ابراز می‌دارد که در جریان نهادینه کردن برنامه‌ها برای کودکان و تعیین اهداف و محتوا، آموزش اوایل کودکی در ایجاد یک نظام دووجهی و جدایی مستمر گروه‌های مختلف مردم (برای مثال فقرا، اختلاف فرهنگی، افرادی با جهان‌بینی‌های متفاوت) با جاودانی کردن این باور اجتماعی که گروه‌های خاصی نسبت به دیگران برترند، ایفای نقش کرده است. زمانی که تعلیم و تربیت برای فقرا در نظر گرفته شد، بر پایه این فرض بود که اشخاص و خانواده‌ها کارآمد نیستند و دولت باید به‌طور کارشناسانه رفتار را قاعده‌مند و کنترل کند (کانلا، ۱۹۹۷: ۱۰۸). پنج اصل محوری تعلیم و تربیت کودک محوری به‌طور ماهرانه عبارت‌اند از:

- آمادگی، به‌مثابه برتری دادن به بزرگسالان
 - انتخاب، به‌مثابه توهم منحصر به فرد حاکمیت بر خویشتن
 - نیاز، به‌مثابه اقتدار طبیعی
 - بازی، به‌مثابه محصول فرهنگی
 - ابداع، به‌مثابه برتری دادن به معرفت تک‌فرهنگی.
- اسلوان کانلا تلاش می‌کند تا تعلیم و تربیت اوایل کودکی را به مثابه تبیین بر سر عدالت اجتماعی صورت‌بندی مجدد کند. (همان: ۱۵۷)

برای ایجاد نظام تعلیم و تربیت کودکان در رسانه‌ای چون رادیو، باید شروع به طرح پرسش‌های چندگانه‌ای کنیم که عبارتند از: چگونه نظام دووجهی را حذف کنیم؟ آیا برنامه‌های رادیو به دانش چندگانه و تجربه انسان‌های کم سن و سال‌تر که برآمده از پیش‌زمینه‌های مختلف است توجه می‌کند؟ چگونه اقدامات جاری ما در رادیو ساختاری طبقاتی را در جامعه دائمی می‌کند؟ آیا پیام ارائه‌شده توسط رادیو برای هر انسانی با توجه به سلیقه، باور و تجربیات زندگی‌اش، منصفانه است؟ آیا در برنامه‌های رادیو س از افراد با احترام یاد می‌شود؟ آیا کسانی وجود دارند که تجربیات زندگی‌شان، در بسترهای آموزشی که ما آنها را در رادیو ایجاد کرده‌ایم به آنها برتری دهد؟ آیا این کار از لحاظ اجتماعی درست است؟

رسانه‌های جمعی و رادیو صرفاً آنچه قابل انتقال یا شناخت است را تعیین نمی‌کنند؛ آنها چیزی را تعیین می‌کنند که ما آن را هویت خودمان تلقی می‌کنیم. اگرچه رسانه‌ها و در این میان رادیو با توجه به ویژگی‌های ذاتی‌اش تعیین می‌کنند که چه چیزی واقعیت را تشکیل می‌دهد و همیشه جلوتر از زیبایی‌شناسی‌اند، اما آنقدر جلو نیستند که روش انتقادی برگرفته از مطالعات ادبی نتواند چیزی از واقعیت آنها را آشکار سازد.

کاربرد رادیو در آموزش، متضمن چندین عامل است. یک نظام نمادی خاص برای انتقال پیام‌های خاصی که ویژگی‌های خاصی دارند، به یادگیرنده‌ها و برای رسیدن به هدف‌های آموزشی

سیاسی و اقتصادی است، زیرا یافته‌های علمی نشان می‌دهند که شخصیت اصلی انسان در سنین تولد تا ۱۵ سالگی شکل می‌گیرد و جرایم و کجروی‌های اجتماعی و یا کامیابی‌ها و موفقیت‌های آینده افراد ریشه در این دوره سنی دارند. بهداشت روانی، تغذیه و همچنین تحصیلات مناسب در سنین کودکی زیربنای محکم و سالمی برای یک جامعه است. برای اصلاح نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی باید جمعیت کودکان را در کلیه برنامه‌ریزی‌ها - به‌خصوص برنامه‌های مرتبط با آنها که در رادیو تهیه و اجرا می‌شود - مدنظر قرار داد. رادیو نقش مهمی در آگاه‌ساختن جامعه نسبت به مسائل این قشر بر عهده دارد. یافته‌ها در مورد گونه‌شناسی حقوق پایمال شده در مورد کودکان،



مطالعات فرهنگی

در موارد زیر مشخص شده است: آزار کودکان، آزار جنسی، آزار جسمی، قتل کودکان، کودکان خیابانی، تجارت کودکان، ربایش کودکان، تکدی‌گری، کار کودکان، کودکان زندانی، نظام آموزشی و آزمون غیر دمکراتیک (کتاب‌های درسی، ارزش‌های ایدئولوژیک و آزمون‌های مدارس) و قوانین نامناسب.

برای حل مسئله پایمال‌شدن حقوق کودکان باید به اهمیت گونه‌های آن بیشتر آگاه بوده و در سه سطح خانواده، جامعه و دولت با این مسائل به مقابله پرداخت. یکی از لوازم این مبارزه، از طریق رسانه‌های جمعی و به خصوص رادیوست که در تمام سطوح با همکاری دولت و سازمان‌های مرتبط با کودکان به فعالیت بپردازد.

آمار خشونت در ایران، همبستگی کاملی با فشارهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دارد. بنابراین اگرچه صورت ناهنجاری‌هایی مانند کودک‌آزاری از نوع جنسی و جسمی و آموزش و ربایش و تجارت کودکان و تکدی‌گری و... ظاهری فردی دارند، اما ریشه عمیق‌تر و واقعی‌تر آن در فروپاشی هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و کاهش یا از میان رفتن تعهد یا اعتماد در درون خانواده‌هاست.

در شکل‌گیری جوانی باید به تأثیرات خاص محلی و جهانی و انتخاب‌های جوانان در پیوستاری از محلی‌گرایی تا جهان‌گرایی توجه نمود. پژوهشگران معتقدند تماشای تلویزیون و شنیدن رادیو برمخاطبان به ویژه کودکان سه تأثیر عمده برجای می‌گذارد: یادگیری اجتماعی، حساسیت‌زدایی و ترس‌آفرینی. هر سه این موارد مطابق با نظر روانشناسان و جامعه‌شناسان تأثیر ماندگار خود را در طول حیات فرد حفظ می‌کند. درونی‌سازی الگوهای رادیویی که به نوعی باعث هویت‌یابی و شکل‌گیری هویت کودکان می‌شوند، کودکانی که ممکن است در خانواده خود نوعی تنش را تجربه کنند یا کودکانی که دارای رابطه تنش‌آمیز با خانواده خود هستند، عمیق‌تر رخ می‌دهند. احساس همسانی در این کودکان، با شخصیت‌های رادیویی بیشتر است تا کودکانی که رابطه خوبی با سایر اعضای خانواده خود دارند.

کودکان نقاد نیستند. آنها نمی‌توانند نقاد و موشکاف باشند و نباید هم باشند. کودکی دوره‌ای از زندگی است که فرد باید در آن دوره از همه چیز تأثیر بگیرد و هر چیز را که می‌بیند و می‌شنود، باور کند تا بتواند یاد بگیرد و بزرگ شود. این سادگی و زودباوری نباید مورد بهره‌برداری قرار گیرد و استفاده ابزاری از کودکان به خصوص دختر بچه‌ها، تبلیغ شود.

«آموزش رسانه‌ای» یکی از مفاهیم کلیدی است که برخی از نویسندگان آن را شامل تأثیرات رسانه‌ها بر آموزش کودکان می‌دانند و برخی دیگر نیز آموزش استفاده از رسانه‌ها را مدنظر دارند. گروه دیگری با نگاهی عمیق‌تر به آموزش کودکان چگونگی کارکردهای رسانه‌ها را برجسته می‌کنند. آموزش رسانه‌ای شامل همه رسانه-

ها بالاخص رادیوست که در این مورد آموزش‌های رادیو باید مردم را قادر سازد که درک کنند رادیو از چه طریق در جامعه عمل می‌کند و دست به اقدام می‌زند. رادیو باید این اطمینان و تضمین را به وجود آورد که مردم می‌توانند مطالب و پیام‌های رسانه‌ای را تجزیه و تحلیل کنند و به آنها واکنش انتقادی نشان دهند. این واکنش‌های انتقادی، بیشتر از طریق برنامه‌هایی به وجود می‌آیند که با مشارکت مردم ساخته می‌شوند.

منابع:

- آقا بیگلویی، عباس و دیگران (۱۳۸۰) کودک آزاری، تهران: کتاب آوند دانش. اعظم آزاده، منصوره (۱۳۸۴) «آموزش و پژوهش دانشگاهی در باب کودک و نوجوان»، کتاب ماه علوم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱۰۲-۱۰۱. باقی، عمادالدین «گونه‌شناسی حقوق پایمال‌شده کودکان در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، بهار ۱۳۸۴، شماره ۱۶. دیوید اولسون (۱۳۷۷) «رسانه‌ها و نمادها: صورت‌های بیان، ارتباط و آموزش»، (ترجمه محبوبه مهاجر). سروش، تهران. جلیل اسلوان کانلا (۱۹۹۷) «باز اندیشی در تعلیم و تربیت کودکان»، (ترجمه نرگس زحمتی). کتاب ماه علوم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱۰۲-۱۰۱. جیمز الیسون، پروت آلن و جنکس کریس (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی دوران کودکی، (ترجمه علیرضا ابراهیم‌آبادی: ثالث کارلسون اولا و فایلیتزن سسیلیا (۱۳۸۰) کودک و خشونت در رسانه‌های جمعی، (ترجمه مهدی شفق). مرکز مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران «کودک آزاری»، ۱۳۸۵؛ سایت: <http://www.iran-emrooz.net/index.php?/news1/10523> کنوی جان و بوبلن الیزابت (۲۰۰۱) «کودک، رسانه و مصرف»، (ترجمه ملیکا تعالی خواه). کتاب ماه علوم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱۰۲-۱۰۱. فاسرسند، و دیگران (۲۰۰۴) «پژوهش ژرفانگر در باب کودک و نوجوان» (ترجمه نیر پیراهری). کتاب ماه علوم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱۰۲-۱۰۱. فی لیتزن، سسیلیا فون و بوکت کاتارینا (۱۳۸۴) کودکان و رسانه‌ها، (ترجمه معصومه عصام). مرکز مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما جمهوری اسلامی ایران. ماری شو (۲۰۰۳) «فقر کودکان در جهان در حال توسعه»، (ترجمه زهرا گودرزبان). کتاب ماه علوم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱۰۲-۱۰۱. مصفا، نسرین (۱۳۸۲) کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌برداری از آن در حقوق داخلی ایران، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، موسسه حقوق تطبیقی و مرکز مطالعات حقوق بشر.

